

« این ملت که این طور است وضعیت: بچه و زن، بزرگ و کوچک و پیرو جوانش در صحنه هستند و می‌خواهند دخالت در امور بکنند. حق هم همین است؛ باید دخالت در امور بکنند. اگر دیدند من کج می‌روم، به من بگویند: کج نرو. اگر دیدند یک کسی، دولت کج می‌خواهد برود، به او بگویند: کج نرو.»

۱۰ تیر ۱۳۶۰



خطاب به تیم مذاکره کننده ی هسته ای:

مردم نامحرم نیستند

عضو نسبت به وضعیت قبل از آن بسیار افزایش می‌دهد. در یکی از بندها اجازه ی نمونه برداری محیطی از هر مکانی که آژانس اراده کند را می‌دهد. این بند کشورها را ملزم به پذیرش تعهدی می‌نماید که مغایر با اصل حاکمیت ملی است و کشور متعهد ناچار است که به نفع یک سازمان بین‌المللی از اصل منافع ملی خود در این مورد صرف نظر نماید.

در یکی دیگر از بندها کشور امضا کننده موظف می‌شود که برای بازرسان ویزا صادر کند تا بازرسان هر زمان که قصد بازدید سرزده را دارند بدون هماهنگی با کشور پذیرنده وارد کشور شود. در بند دیگری بحث بازرسی‌های بدون اطلاع (NO-Notice Intspection) طرح شده است. این بازرسی‌ها شامل بازرسی‌هایی است که بدون اطلاع قبلی در مورد زمان فعالیت‌ها یا مکان‌های مورد بازرسی، در یک بازرسی انجام می‌شود.

در عمل این موضوع، بدان معنی است که کشور و بهره‌بردار، زمانی از قصد بازرسان جهت انجام بازرسی مطلع می‌شوند که بازرسان آژانس به یک سایت وارد شده‌اند. همانطور که خاطر نشان شد این موضوع به طور مشخص مستلزم این است که کشور برای چنین بازرسی، ویزایی را از بازرسان درخواست نکنند یا ویزای ورود مکرر به آنان اعطا نماید. از دیگر مسائلی که در این پوتکل قرار دارد اعلام تمام صنایع و سایت‌ها و

افراد حقیقی و حقوقی است که به هر نحوی با بحث هسته ای در ارتباطند. مطرح شدن پروتکل در شرایطی اتفاق می‌افتد که در سال‌های گذشته مطالبات جدی در مجلس شورای اسلامی و حتی در بین کارشناسان عرصه دیپلماسی و روابط بین‌الملل در مورد خروج از معاهده NPT شکل گرفته است. این مطالبات از زمانی جدی تر شد که علی‌رغم عضویت ایران در NPT هر روز بر سطح فشارهای وارده بر ایران افزوده شد و حتی در عرصه امنیتی نیز به طرز بسیار مشکوکی اطلاعات مربوط به دانشمندان هسته ای ایران به خارج درز کرده و موجب ترور چند تن از آنان توسط عوامل رژیم صهیونیستی گردید.

از سوی دیگر حتی به شکل باور نکردنی در چند مورد از گزارشهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مشاهده شد که قبل از قرائت گزارش از سوی آژانس، خط اصلی گزارش از سوی روزنامه‌های ایالات متحده رسانه ای شد. این موضوع چیزی جز ارتباط جدی آژانس با سرویسهای جاسوسی و در نتیجه عدم امنیت اطلاعاتی که در اختیار آژانس قرار می‌گیرد را نشان نمی‌دهد. توجه به این بی‌اعتمادی نسبت به آژانس پذیرفتن پروتکل چه معنایی دارد؟



یقیناً برای کشور خود مد نظر داشته‌اند.» اما جای این سوال هنوز باقی است که چرا اکثر کشورهای هسته ای دنیا این پروتکل را نپذیرفته‌اند. آیا امضای این پروتکل توسط کشورهایی که هیچ فعالیت هسته ای ندارند راضی کننده است؟

پروتکل الحاقی، یکی از جدیدترین معاهدات در زمینه مسائل امنیت بین‌المللی و در چارچوب رژیم عدم اشاعه می‌باشد و یکی از چالش‌های ایران در زمینه معاهدات خلع سلاح است. مسئله‌ای که قبل از بروز بحران هسته‌ای در سال ۱۳۸۲ نیز یکی از موضوعات مهم مذاکراتی خلع سلاح بین ایران و جامعه جهانی بود. تصویب یا عدم تصویب پروتکل الحاقی همچنان به‌عنوان یکی از موضوعات مهم پرونده هسته‌ای کشور در دستور کار است. جمهوری اسلامی ایران پروتکل الحاقی را در دسامبر ۲۰۰۳ امضا کرد ولی هنوز آن را به تصویب نرسانده است بنابراین از نظر حقوق بین‌الملل ملزم به اجرای مفاد آن نیست.

به نکاتی در خصوص قراردادی که می‌توان پذیرش آن را هم سطح ترکمنچای برآورد کرد می‌پردازم: کشورهای عضو این پیمان موظفند برای تعیین نحوه نظارت آژانس بر عملکرد خود توافقنامه دوجانبه‌ای با آژانس منعقد کنند. این سند اختیارات آژانس را برای نظارت بر نحوه عملکرد کشورهای

دور جدید مذاکرات ایران و ۱+۵ درحالی به پایان رسید که دو طرف نسبت به روند پیشرفت مذاکرات ابراز امیدواری کردند. با توجه به اتفاقاتی و مسائلی که در خود مذاکره و در خبرهای بیرون آمده از آن به چشم می‌آید و باید به دقت به آن توجه کرد.

اول. آن چیزی که متأسفانه در کنفرانس خبری دو طرف دیده می‌شد عبارت محرمانه بودن مذاکرات است. نفس محرمانه بودن مذاکرات شاید در عرف دیپلماتیک پذیرفته باشد اما وقتی این خبر را با خوشحالی طرف آمریکایی از مذاکرات مشاهده می‌کنیم باید از خود پرسیم که چه اتفاقاتی در پشت درب‌های بسته اتفاق می‌افتد که این چنین باعث شادی دشمن شده است؟ چه مسائلی قرار است در این مذاکرات مورد توافق قرار گیرد که طرف ایرانی درخواست مطرح نشدن آن را در رسانه‌ها دارد؟

جایگاه مردم در نظام اسلامی جایگاه ویژه ای است. مردم محرم اند و باید نسبت به اتفاقاتی که می‌افتد اطلاع پیدا کنند تا همیشه در صحنه حضور داشته باشد چرا که قوت اصلی نظام اصلی از حضور در صحنه مردم کسب می‌شود. اما متأسفانه در این مذاکرات شاهد بودیم که مردم محرم شناخته نشدند و درحالی که اطلاعات کامل مذاکرات در اختیار دشمن اصلی مردم ایران آمریکای جهان خوار قرار داشت مسئولان ایرانی از رسانه ای کردن پیشنهاد خود امتناع کردند. گویا تنها تذکری

که تیم ایرانی در کمال خوش‌خیالی داده بود این بود که رژیم صهیونیستی از طرح ایران با خبر نشود! که باید گفت نیکی و پرسش. واقعا تیم مذاکره کننده ی هسته ای ایران در آن سطح هنوز به این اصل معتقد نشده است که سگ زرد برادر شغال است و آمریکا بدون اجازه ی رژیم صهیونیستی آب هم نمی‌خورد؟ چطور آقایان دغدغه ی تحقیر آقای اوباما و جدا کردن خط کشور دوست و برادر (مثل آمریکا را از اسرائیل دارند و از نفوذ لابی‌های صهیونیستی می‌گویند ولی در این مسئله اینقدر کودکانه عمل می‌کنند؟

دوم. مسئله ای که در رسانه‌ها مطرح شد و متأسفانه با تکذیب تیم ایرانی مواجه نشد و حتی طرف ایرانی اذعان کرد که پذیرش پروتکل الحاقی در گام‌های نهایی طرح پیشنهادی قرار دارد. پذیرش پروتکل الحاقی آیا معنی جز فروش استقلال و تاراج منافع ملی دارد؟

عزت و اقتداری که تیم ایرانی به عنوان اصل خود در مذاکرات بیان کرده است با پذیرش پروتکل الحاقی به حراج گذاشته نمی‌شود؟

در حالی که آقای روحانی در مقدمه کتابی در توصیف کشورهایی که پروتکل را امضاء کرده اند گفته اند: «کشورهایی که تا به امروز پروتکل را امضا نموده‌اند نیز ملاحظات امنیت ملی، حاکمیت ملی، حفظ اسرار و... را

جزئیات پیشنهاد ایران در مذاکرات ژنو فاش شد

به گزارش «تابناک» و به نقل از ال مانیاتور، پیشنهاد ایران مواردی از جمله تعلیق غنی‌سازی بیست درصدی، قول تبدیل ذخایر بیست درصدی به میله‌های سوخت و دست کشیدن از اورانیوم مصرف شده در راکتور آب سنگینی که قرار است در اراک ساخته شود را در بر می‌گیرد. ال مانیاتور مدعی است که این اطلاعات را از منبعی ایرانی دریافت کرده است که در گذشته اصالت خود را ثابت کرده است. طرف ایرانی که به سبب درخواست محرمانه ماندن مذاکرات ژنو خواسته است نامش فاش نشود به ال مانیاتور گفته است که وزیر خارجه ایران، پیشنهاد خود را در قالب دو مرحله شش ماهه ارائه کرده است.

در مرحله اول، ایران تولید اورانیوم بیست درصدی را متوقف می‌کند و تلاش می‌کند که ذخایر موجود خود را به میله‌های سوخت برای راکتور تحقیقاتی تهران تبدیل کند. ایران تاکنون بخشی از این ۳۷۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده تا بیست درصد را به میله‌های سوخت تبدیل کرده و یا ذخایر خود را به این کار اختصاص داده است ولی در مورد توانایی فنی ایران برای انجام این کار تردیدهایی وجود دارد.

بنا به گفته این منابع، دیگر بخش‌هایی که در این پیشنهاد ارائه شده است، عبارتند از: ارائه اطلاعات بیشتر در مورد راکتور آب سنگین اراک و از جمله دسترسی آژانس برای نظارت بر ساخت آن. تکمیل این راکتور بارها به تاخیر افتاده است و اخیراً برای پایان سال ۲۰۱۴ برنامه‌ریزی شده است. در گذشته دسترسی آژانس به این راکتور محدود بوده است. بنا به گفته این منبع، می‌توان در زمان تکمیل این راکتور توافقی را با آژانس برای مدیریت سوخت مصرف شده در آن به سرانجام رساند. سوخت مصرف شده در این راکتور حاوی پلوتونیوم خواهد بود که می‌توان با آن هم بمب هسته‌ای ساخت. این توافق شبیه به توافقی خواهد بود که اکنون ایران با روسیه دارد و سوخت مصرف شده در نیروگاه بوشهر را به این کشور باز می‌گرداند.

نظارت کامل بر تاسیسات غنی‌سازی در فردو که به یک مرکز تحقیقاتی تبدیل خواهد شد و مذاکره بر سر محدود کردن میزان تولید در تاسیسات هسته‌ای نطنز

– تصویب پروتکل الحاقی پیمان عدم اشاعه که امکان بازرسی‌های سرزده را فراهم خواهد کرد.

جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در گفت‌وگو با شبکه خبری سی‌بی‌اس نیوز که قرار است روز یکشنبه، ۲۹ سپتامبر پخش شود و بخش‌هایی از آن در وبسایت این شبکه



خبری قرار گرفت در پاسخ به این که «یک نمونه از گام ملموسی که آن‌ها می‌توانند برای مطمئن کردن جهان درباره کنار گذاشتن جاه‌طلبی‌هایشان بردارند، بدهید؟» گفت: «آن‌ها می‌توانند بلافاصله امکان بازرسی از فردو را که یک تاسیسات محرمانه و زیرزمینی تقویت شده در دل کوه است و بدون شک چیزی نیست که یک برنامه هسته‌یی صلح‌آمیز داشته باشد، فراهم کنند. آن‌ها می‌توانند بلافاصله پروتکل‌ها را امضا کنند، پروتکل‌های الحاقی جامعه بین‌المللی درباره بازرسی‌ها را. آن‌ها می‌توانند پیشنهاد دهند که داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم بیش‌تر از یک میزان خاص را متوقف کنند و آن را در سطح پایین نگاه دارند، زیرا نیازی نیست برای یک برنامه صلح‌آمیز در سطح بالاتری باشد. کارهای زیادی وجود دارد که می‌توانند انجام دهند.

ابتکار دیپلماتیک سرکوب شد

محمد مهدی میرزائی پور

متأسفانه در خلال جریانات پیش آمده پس از تماس تلفنی دکتر حسن روحانی رئیس جمهور کشورمان با باراک اوباما جریان رسانه‌ای غالب - که با تصاحب حدود ۳۳ روزنامه و هفته‌نامه و ماهنامه مواضع بسیار نزدیک به دولت دارند - تلاش نمود مسائلی را که اصلی بودند به عنوان مسائل فرعی و مسائل فرعی را به عنوان مسائل اصلی وانمود کند. مسأله بسیار مهمی که به وضوح پرسش تمام خبرنگاران نه فقط ایران بلکه جهان را برانگیخت این بود که پیشنهاد برقرار شدن رابطه از سوی چه کسی اولین بار داده شده است. طبیعتاً هر کسی که اولین بار این درخواست را داده است به این اعتراف کرده که به این رابطه نیازمندتر از طرف دیگر است و در حقیقت غرور ملی کشوری را که نمایندگی می‌کرده است در برابر طرف مقابل شکسته است و حتی از منظر اصول مذاکره و دیپلماسی امتیاز بسیار بزرگی را در همین ابتدا با نشان دادن علامت ضعف برای آینده مذاکرات ارسال کرده است.

پرسش‌های مکرر خبرنگاران از دکتر روحانی و نیز تأکید مقامات طرفین بر آغاز شدن این ماجرا از سوی طرف دیگر شاهدهی بر اهمیت این ماجراست. اما در مقابل رسانه‌هایی که نسبت به اهمیت این موضوع و اظهارات طرف امریکایی اظهار بی‌علاقگی کرده و حتی یک تیتیر درباره آن کار نکردند - و حتی به صدا و سیما به خاطر پوشش هر چند کم‌رنگ اظهارات سوزان رایس اعتراض کردند - به طور گسترده‌ای علیه تظاهرات اعتراضی صورت گرفته نسبت به این تماس تلفنی و رفتارهای بیجای دیگر صورت گرفته در سفر مطلب کار کردند.

اما در این میان رفتارهای نسنجیده از سوی تیم مذاکره کننده متأسفانه ادامه پیدا کرد. دکتر حسام‌الدین آشنا در گفتگوی ویژه خبری که پس از این سفر برگزار شد حاضر شد و در جواب اظهارات مکرر و تند طیف‌های مختلف مقامات امریکایی - از جمله اظهارات تند وندی شرمین که گفته بود حيله‌گری (Deception) در DNA ایرانی‌هاست و نیز اظهارات اوباما که بلافاصله پس از گفتگوی تلفنی مجدداً کشورمان را به حمله نظامی تهدید کرد - که از حیث تراکم شاید کم‌سابقه باشد گفت که ما باید آقای اوباما را درک کنیم و ایشان نمی‌تواند روایتی را که سال‌هاست بر هم خورده است را یک شبه اصلاح کند! مشخص نیست که مقامات ایالات متحده باید چه اظهار نظری می‌کردند تا مقامات ما از برقراری این رابطه مأیوس بشوند؟!

ایشان در اظهاراتی عجیب که متأسفانه در رسانه‌ها کمتر بدان پرداخته شد ادامه داد که برای ما تغییر در رفتار مهم است نه تغییر در لحن! سؤال اینجاست که امریکا که حتی حاضر نیست در سخن گفتن به ملت ایران احترام بگذارد چگونه حاضر است به منافع واقعی ملت ایران و مستضعفین عالم احترام بگذارد. آیا این روش طرح موضع به این دلیل نیست که تصور مقامات ما این شده است که «بدون امریکا نمی‌توان زندگی کرد»؟! وگرنه مطابق هر اصل دیپلماسی چنین اظهاراتی در برابر اظهارات بسیار تند طرف مقابل اظهار عجز و ذلت محسوب می‌شود.

وی همچنین درباره اهداف این سفر این‌گونه بیان می‌کند: «در این زمینه دو هدف مشخص دنبال می‌شد. هدف اول ارتقای سطح مذاکرات بود و این بحث بسیار جدی است و تا وقتی که ما با معاونین و مدیران کل وزارت امور خارجه کشورها صحبت می‌کنیم، ساختار بروکراسی وزارت خارجه‌ها مذاکره را دهن می‌کند و تا وقتی که از یک رئیس اداره به مدیرکل و از مدیر کل به مقامات بالاتر برسد، در هر مرحله‌ای از این مراحل انتقال پیام، اگر انگیزه‌ای وجود نداشته باشد تا این انتقال مثبت انجام شود، این پیام مذاکره دهن می‌شود. تلاشی که در این سفر انجام شد این بود که با ابتکار دیپلماتیک ایران سطح مذاکره به وزاری خارجه رسید و آقای روحانی نیز از چند وقت قبل با انتخاب وزیر امور خارجه به عنوان مسئول مذاکره کننده ارشد این کار را انجام داده بودند. انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه پیام خیلی روشنی به طرف مقابل منعکس کرد که سطح مذاکرات، در سطح وزیر خارجه خواهد بود.»

اما متأسفانه شاهد بودیم که ایران به دلیل عدم اقبال طرف مقابل و تعیین همین خانم وندی شرمین - معاون جان کری - به عنوان نماینده امریکا در تیم مذاکره‌کننده ۱+۵ مجبور شد بار دیگر آقای عراقچی را به عنوان نماینده به مذاکرات ژنو ارسال کند که این اتفاق را می‌توان اماره دیگری بر بی‌دست‌آورد بودن تلاش‌های سفر نیویورک علی‌رغم هزینه‌های آن دانست. مسأله بسیار مهم دیگر که باز هم به دلیل وجود هیجانات کاذب و اشتباهی عجیب برای برقراری رابطه با امریکا مورد توجه رسانه‌ها قرار نگرفته است این است که علی‌رغم ادعای آقای آشنا مبنی بر این‌که پیام‌های ارسال شده در خلال رویه بروکراتیک دهن می‌شود واقعیت آن است که در طول چند سال اخیر طرفین برای مذاکره از روش ارائه «بسته‌های پیشنهادی» مشخص استفاده می‌کرده‌اند. به این معنی که طرحی مدون ارائه می‌شده و درباره این طرح در بالاترین سطح تصمیم‌گیری می‌شده است و این پیام‌ها خالی از ابهام بوده و به دست سطوح مختلف سیاست خارجه طرفین می‌رسیده است. جالب اینجاست که پس از اظهار نظر جان کری مبنی بر این‌که پیشنهادات ما همان پیشنهادات آلمانی است دکتر ظریف در گفتگوی ویژه - بدون اظهار عدم شفافیت درباره آن بسته پیشنهادی - اظهار کرد که پیشنهاد آلمانی به تاریخ پیوسته است.

سر انجام به نظر می‌رسد تیم مذاکره‌کننده ایرانی باید سعی کند از این‌گونه اظهار نظرات هیجانی و بیش از حد خوش‌بینانه احتراز کند و حتی اگر در رسیدن به اهداف خودش جدی است باید اصول دیپلماسی را بیش از این رعایت کرده و با احتیاط بیشتری با طرف مقابل رفتار نماید. اشتباه است اگر ندانیم بزرگ‌ترین منفعت امریکا نابودی جمهوری اسلامی عزت‌مند و تبدیل شدنش به حکومتی ذلیل و به قول حضرت امام «گاو شیر ده» است و او در این شرایط دلیلی نمی‌بیند که از این هدف کوتاه بیاید.

اعلام جمعه «شفافیت و صداقت با مردم»

از سوی کمیته صیانت از منافع ایران

کمیته صیانت از منافع ایران طی بیانیه‌ای از ملت شریف ایران خواست در سلسله راهپیمایی‌های «مرگ بر آمریکا» طبق روال گذشته امروز جمعه (۲۶ مهرماه) را به نام جمعه «صداقت و شفافیت با مردم» نامگذاری کرده و مطالبه رسای خود مبنی بر درخواست روشن‌گری از پیشنهادات ایران و توافقات کلی صورت گرفته در مذاکرات را به گوش مسئولین و رسانه‌ها برسانند.

در قسمتی از بیانیه کمیته صیانت از منافع ایران آمده است:

در شرایطی که تیم‌های مذاکره‌کننده غربی با هماهنگی لابی‌های اسرائیلی در این مذاکرات حاضر می‌شوند و این به معنای آگاهی تمامی طرف‌های غربی و آمریکا و اسرائیل از پیشنهادات نمایندگان ایران است ظاهراً تنها نامحرم موجود در این ملت بزرگ ایران است که قرار شده با مجرمانه ماندن محتوای مذاکرات از چند و چون اتفاقات رخ داده ناآگاه بماند و طبق معمول بعد از این بی‌تدبیری تاکتیکی، شاهد مانور رسانه‌ای وسیع طرف‌های غربی بر روی این موضوع هستیم. شایعات ناگواری که از جهتی به کاهش سطح غنی‌سازی به ۵ درصد و تسلیم اورانیوم ۲۰ درصدی تولید شده حکایت دارد که دست آورد دانشمندان و شهیدان هسته‌ای است و از جهتی اشاره به تعطیلی برخی مکان‌های خاص و یا شایعه ناگوار اخیر که متأسفانه از جانب آقای عراقچی نیز تأیید شد که از احتمال پذیرش پروتکل استعماری الحاقی توسط ایران در گام‌های آخر اعتماد سازی خبر داده‌اند.

سایت رسمی کمیته صیانت

www.sianat.org

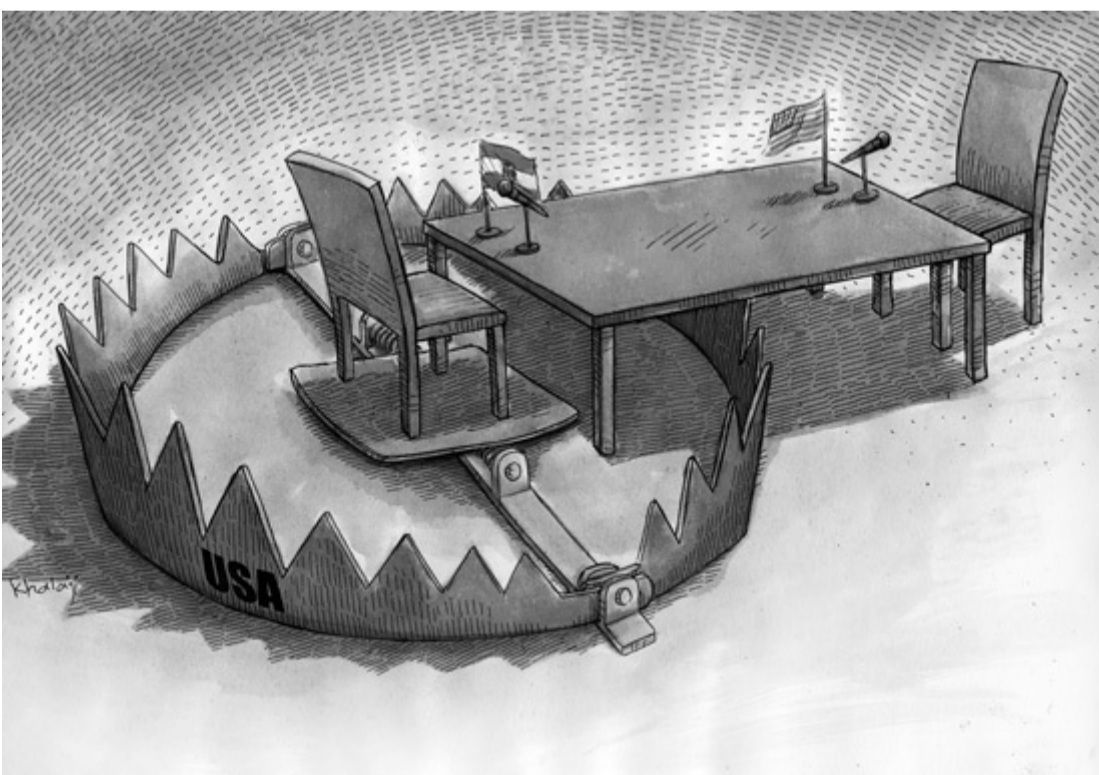


حذف شعار مرگ بر آمریکانشانه خروج انقلاب از مسیروش است

به گزارش خبرنگار «نسیم» متن سخنان حجت‌الاسلام قاسمیان مدیر مدرسه علمیه مشکوه که در مراسم دعای عرفه مسجد دانشگاه صنعتی شریف ایراد بدین شرح است:

در روایات ما آمده است «هل الدین الا الحب و البغض» آیا دین غیر حب و بغض چیزی هست؟ اگر کسی دینی را ارائه بدهد که این دین سراسر تولی است و تبری در این دین نیست این دین، دین نیست اصلاً.

متأسفانه برخی اوقات بحث‌های قرآنی ترکیب میشود با بحث‌های سیاسی و موضع‌گیری‌ها راجع به این دولت و آن دولت انسان احساس می‌کند که بحث دارد سیاسی می‌شود، بحث کاملاً یک بحث قرآنی است. در سوره مبارکه ممتحنه آیه‌ای در مورد حضرت ابراهیم دارد «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه» در ابراهیم و کسانی که با ابراهیم هستند یک اسوه حسنه برای شما هست یعنی برای ما ابراهیم یک اسوه حسنه است، خوب این اسوه حسنه چیست؟ «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقمه‌هم انا برئاء منکم و مما تعبدون من دون الله» آن موقع که گفتند ما نسبت به شما گروه کفار بیزاریم «کفرنا بکم» ما به شما کافریم و این را گفتند و اعلان برائت کردند «و بدا بیننا و بینکم العداوه و البغضاء ابدأ حتی تومنوا بالله وحده» این جنگ، این عداوت و بغضاء ابدأ باقی خواهد ماند. دو سه آیه بعد دارد که «عسی الله ان يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منہم موده و الله قدير» یعنی این اتفاق می‌افتد که بین شما و بین دشمنان شما مودتی عزت‌مندانه برقرار خواهد شد از چه مسیری از مسیر برائت. مودت عزت‌مندانه از مسیر برائت و اعلان برائت میگذرد همان طور که در روایات داریم «من وضع حبه فی غیر موضعه تعرض للقطیعه» اگر کسی حبش را در غیر موضع خودش بگذارد این منجر به قطع حب میشود همانطوری اگر بغضش را در محل خودش قرار بدهد موجب مودت عزت‌مندانه میشود، این شعار مرگ بر امریکا شعار همه کسانی هست که حج ابراهیمی می‌کنند لذا از ماجرای برائت نباید کوتاه آمد، برائت سر جای خودش باقی هست اگر این نباشد دین، دین نیست بارها این‌ایه خوانده شده که «و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا» این‌ها آیات قرآن هست بحث سیاسی نیست اینها همواره با شما پیکار خواهند کرد تا اینکه شما را مرتد نکنند. این جنگ همچنان باقیست این مرگ بر امریکاهما همچنان باقیست و باید باقی باشد اگر غیر از این اتفاق بیفتد انقلاب به مسیر ارتداد کشیده میشود، این را در این حج ابراهیمی در این عرفه ابراهیمی باید همه ما دقت بکنیم که فراموش نشود(اگر این مرگ بر امریکاه حذف بشود) که دیگر دین نیست یک سری نشستیم برای خودمان گفتیم و شنیدیم و خوش بودیم و اسم این رو هم میگذاریم دین و دینداری. زمان شاه هم این چیزها بود روزه بود، نماز بود، دعا بود، زیارت عاشورا بود، دسته بود، هیات بود، قربانی بود همه این‌ها بود آن نقطه محوری که نبود همین این‌ها نبود که اگر این



سیاست ما بر این است که حتی اگر قرار شد روزی همه مردم، نان خالی نوش جان کنند ولی با آمریکا بجنگند، بجنگند.

شهید بهشتی